

بررسی وضعیت حقوقی وکیل پس از فوت موکل به عنوان وصی

مجید شعبانی^۱، پرستو سرچمی^۲

^۱ هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سیرجان

^۲ کارشناس ارشد حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سیرجان

چکیده

در قانون مدنی ایران ماده ۶۵۶ وکالت عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین طرف دیگر را برای انجام امری نایب خود می‌نماید لذا در فقه اسلامی وکالت به‌طور عام و کلی در هر تصرفی جایز باشد شخص مباشر تا انجام بدهد وکالت آن نیز جایز و صحیح است. لذا در ماده ۶۶۲ ق.م ایران به پیروی از همین اصل کلی آمده است وکالت باید در امری داده شود که خود موکل بتواند آن را به‌جا آورد. بنابراین جایز است انسان در همه تصرفات اعم از شخصی و مالی و قضایی و غیره وکیل بگیرد مگر در موارد استثناء مثل توکیل به استیفا قصاص که جایز نیست مگر این که موکل نیز حاضر بوده باشد. از حیث اینکه قانون مدنی در مقررات مربوط به رهن، اعطای اذن فروش برای بعد از مرگ وکیل را هم پیش‌بینی کرده که در حقیقت آن چیزی که بعد از فوت وکیل به ورثه انتقال می‌یابد انتقال حق است نه وکالت، و از طرفی وکالت عقدی جایز است و با فوت موکل زایل می‌گردد. جای بررسی دارد، کشف منظور مقنن از ادامه‌ی اذن بعد از فوت موکل برای مورث ایشان. از این‌رو ضرورت دارد نظرات فقهی به‌عنوان پایه قانون مدنی، بررسی و نهایتاً کشف نظر مقنن صورت پذیرد.

واژه‌های کلیدی: وضعیت حقوقی، وکیل، موکل، فوت، وصی

مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه

دوره ۷، شماره ۱، بهار ۱۴۰۰، صفحات ۴۲۴-۴۰۰